

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که

تشریحاتش جوایگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. نقش زنان در ادبیات از چه زمان آغاز گردید؟

۲. نخستین داستان نویس زن کی بود؟

۳. چه عواملی باعث کمرنگ بودن حضور زنان در عرصه ادبیات شده بود؟

۴. نام چند تن از زنان شاعر معاصر را به یاد دارید؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

نقش زنان در ادبیات معاصر دری افغانستان

نقش زنان در ادبیات ما با نام «رابعه بلخی» آغاز می‌یابد که پس از او تا سده‌های متمادی، با نام دیگر زنان سخنور کمتر برمی‌خوریم. شاید همزمان با او و پس از او زنان سخنور دیگری هم بوده‌اند؛ اما نظر به دلایل گوناگون، نام آن‌ها ثبت تاریخ ادبیات نگردیده است؛ تنها در اواخر قرن نهم و آغاز قرن بیستم است که جسته و گریخته، نام چند شاعر زن؛ مانند: عایشه درانی، آمنه فدوی، محبوبه هروی و مخفی بدخشی را در اوراق برخی از کتاب‌ها می‌بینیم، که ناچیز بودن تعداد این نام‌ها نیز وابسته به اوضاع و شرایط آن روزگار می‌تواند باشد.

در آن دوره زمانی، محدودیت‌های اجتماعی، خانواده‌گی، تحصیلی و شغلی، فضا را برای ابتکارات زنان تنگ می‌کرد؛ زنان یا چنان گرفتار امورخانه بودند که نمی‌توانستند کارهایی را که توانایی آن را داشتند، به انجام برسانند و یا هنوز در اندیشه پرداختن به ادبیات نیفتاده بودند. برخی هم که می‌نوشتند، موجودیت خود را پشت نام‌های مستعار پنهان می‌کردند. فضا چنان بود که آنان به نوشتن ترغیب نمی‌شدند؛ زیرا امکانی برای نشر آثار خود نمی‌دیدند. زنان در آن دوره هنوز امکان گشایش درهای مراکز ادبی را به روی خود نیافته بودند و شرکت آنان در جنبش ادبی، بسته‌گی به موقعیتی داشت که در جامعه به دست می‌آوردند.

در اوایل سده بیستم میلادی، گروه کوچکی از زنان تحصیل کرده که در راه به دست آوردن کمترین امکانات با مخالفت‌ها و تهدیدهای بسیار رو به رو می‌شدند، آغاز به گشودن مکاتب دخترانه و تدریس کردند، کانون‌های زنان را بنیاد نهادند و مجله‌های ویژه خود را منتشر کردند.

نخستین بار در زمان سلطنت امان‌الله خان بود که دختران و زنان در تاریخ شکل‌گیری و انکشاف معارف عصری افغانستان، وارد این عرصه شدند. اولین مکتب ابتدایی دختران در سال ۱۲۹۹ هـ. ش. به نام «مکتب عصمت» توسط ملکه ثریا تشکیل شد؛ سپس در سال ۱۳۰۲ هـ. ش. مکتب مستورات در شهر آرای کابل گشایش یافت. به روایت دیگر: نخستین بار به تاریخ ۱۹ جدی ۱۳۰۰ هـ. ش. در قسمتی از پارک زرنگار شهر کابل، که در آن وقت «بوستانسرا» نامیده می‌شد، به کمک یک عده زنان منور شهر و رهبری ملکه ثریا، «مکتب مستورات» گشایش یافت. دخترانی که در خانه به طور خصوصی تحصیل کرده بودند، به صنوف بالاتر و دیگران به صنوف پایین‌تر شامل درس شدند و بعد از مدتی یک تعداد آن‌ها برای تحصیلات عالی به ترکیه، آلمان و فرانسه اعزام گردیدند. در همین سال با تلاش و ابتکار ملکه ثریا، مجله و ویژه زنان به نام «ارشادالنسوان» تأسیس یافت. مکتب مستورات که بعداً در سال ۱۳۲۱ هـ. ش. به لیسه ملالی تغییر نام داد، از آغاز تا امروز در تنویر افکار زنان افغان نقش شایسته‌یی را ایفا کرده است. تا آنجا که حتی بسیاری از زنان آگاه، منور، شاعر و نویسنده معاصر از همین مکتب فارغ شده‌اند.

در اواسط سده بیستم با پیدایش کانون‌های آموزشی جدید و برخورداری زنان از فرصت‌های آموزشی همسان با مردان و پدید آمدن نشریات ویژه زنان، ورود زنان به تدریج در عرصه فعالیت‌های فرهنگی آغاز یافت، و شخصیت زن در آثار ادبی نقش بارزتری پیدا کرد.

خوشبختانه ما امروز شاهد زنان بسیاری هستیم که در عرصه ادبیات امتیازات چشمگیری به دست آورده و از اعتبار و موقعیتی بسیار خوبی برخوردار گردیده‌اند و تقریباً همدوش و همراه با مردان افغان در مراکز علمی، فرهنگی، هنری، اقتصادی، سیاسی و... حضور فعال دارند. نه تنها در عرصه شعر و شاعری نام‌های ماندگاری را می‌بینیم که ما را به آینده امیدوارتر می‌سازد؛ بلکه در عرصه داستان‌نویسی هم چهره‌های درخشانی عرض وجود کرده‌اند.

داستان‌نویسی

ادبیات داستانی افغانستان از زمان شکل‌گیری آن به شکل نو و سبک‌های رایج ادبی این صد سال اخیر، به سال ۱۳۰۰ هـ. ش. برمی‌گردد، که از آن زمان تا کنون فراز و فرودهای بسیاری در پیوند با تغییر نظام‌های سیاسی و متعاقب آن تغییرات اجتماعی، فرهنگی و مدنی کشور داشته است. با نوشته شدن داستان «جهاد اکبر» در سال {۱۳۰۰ هـ. ش.} و چاپ آن در مجله معارف، داستان‌نویسی ظهور خود را در افغانستان آشکار، و تا سال {۱۳۳۰ هـ. ش.} گهگاه به صورت تک جرقه‌هایی در مطبوعات، چهره‌نمایی کرد. پس از پایان دهه بیست و

آغاز دهه سی، آهسته آهسته داستان با شیوه نسبتاً جدید در مطبوعات جا باز نمود. با توجه به حرکت زمان و اوضاع جهانی، از دهه چهارم تاکنون با تمام دشواری‌های سیاسی و اجتماعی اوضاع افغانستان، داستان به رشد و بالندگی خود ادامه داده است.

زنان از دهه چهارم به اینسو، مجدانه به ادبیات داستانی روی آورده و در این عرصه قلم زده اند. نخستین داستانی که توسط یک نویسنده زن (خانم ماگه رحمانی) نوشته شده بود، در سال ۱۳۴۰ ه. ش. انتشار یافت؛ پس از آن داستان‌های دیگری از نویسندگان زن به وجود آمد که بسیاری از آن‌ها در داخل و خارج از مرزهای کشور منتشر شد، که این روند همچنین تا هنوز ادامه دارد.

بخوانیم و بدانیم

۱. نقش زنان در ادبیات ما با نام «رابعه بلخی» آغاز می‌یابد که پس از او تا سده‌های متمادی، با نام دیگر زنان سخنور کمتر برمی‌خوریم.
۲. در اواخر قرن نهم و آغاز قرن بیستم، نام چند شاعر زن دیگر؛ مانند: عایشه درانی، آمنه فدوی، محبوبه هروی و مخفی بدخشی را در اوراق برخی از کتاب‌ها می‌بینیم.
۳. اولین مکتب ابتدایی دختران در سال ۱۳۹۹ ه. ش. به نام «مکتب عصمت» توسط ملکه ثریا تشکیل شد. و در ۱۹ جدی ۱۳۰۰ ه. ش. مکتب مستورات در شهر آرای کابل گشایش یافت.
۴. در اواسط سده بیستم بود که ورود زنان به تدریج در عرصه فعالیت‌های فرهنگی آغاز یافت، و شخصیت زن در آثار ادبی نقش بارزتری پیدا کرد.

آیین نامه نگاری

• کلمه‌های عنوانی و کلمه‌های پایانی

معمولاً نامه‌ها با خطاب آغاز می‌شوند. در خطاب، نویسنده باید شأن و مقام مخاطب و وضع و موقعیت او را در کاربرد کلمه‌ها درخور و مناسب در نظر بگیرد. همین کلمه‌ها

واژه‌های احترام‌آمیز را که در آغاز نامه به مثابه خطاب می‌آیند، به نام کلمه‌ی عنوانی یاد می‌کنند. همچنان کلمه‌های احترام‌آمیز که پس از تمام شدن متن نامه، در پایان نامه می‌آیند، کلمه‌های پایانی نام دارند.

کلمه‌های عنوانی و کلمه‌های پایانی هر یک بار عاطفی خاصی دارند، که اگر هریک از آن‌ها در جای مناسب خویش به کار نرود، یا خنده دار خواهد بود و یا توهین به گیرنده‌ی نامه تلقی می‌شود و او را ناراحت می‌کند؛ پس باید از درست بودن آن کاملاً اطمینان حاصل کرد.

۱. در نامه‌های خانواده‌گی: پدر گرامی و گرانقدرم، پدر مهربانم، مادر عزیز و مهربانم، مادر شیرینتر از جانم، پدر بزرگوارم، فرزند عزیزم، دختر نازنینم، فرزند گرامی‌ام.
۲. در نامه‌های دوستانه: دوست گرامیم، رفیق شفیقم، دوست بسیار عزیزم، دوست گرانقدرم.
۳. در نامه‌های اداری: محترم رئیس جمهور...، محترم وزیر...، رئیس محترم اداره...، محترم رئیس محکمه...، جناب محترم مدیر...، به مقام محترم ولایت...، استاد معظم جناب (تخلص)، جناب محترم معاون اداری ریاست....

کلمه‌های پایانی

همان‌گونه که ذکر شد، در پایان نامه پس از تمام شدن متن و قبل از امضا یا نوشتن نام، لازم است چند کلمه‌یی که حاکی از احترام یا محبت نسبت به مخاطب نامه باشد، ذکر شود، که همین کلمه‌ها را به نام کلمه‌های پایانی یاد می‌کنند. کلمه‌های پایانی را؛ مانند: کلمه‌های عنوانی، مناسب با مقام و سن و شخصیت مخاطب باید نوشت. جای نوشتن کلمه‌ی پایانی معمولاً یک سطر پایین‌تر از متن و سمت چپ آخرین سطر آن است. در زیر برخی از کلمه‌های پایانی را نام می‌بریم.

۱. در نامه‌های خانواده‌گی: به امید دیدار، آرزومند سلامتی شما، به امید نامه‌های پرمحبت شما.
۲. در نامه‌های اداری: با تقدیم شایسته‌ترین احترامات، سپاسگزارم، با تشکر و سپاس فراوان، با عرض احترام.
۳. در نامه‌های دوستانه: دوستدار تو، به امید دیدار، آرزومند دیدار تو، آرزومند خوشبختی تو، ارادتمندت، دوست همیشه به یادت.